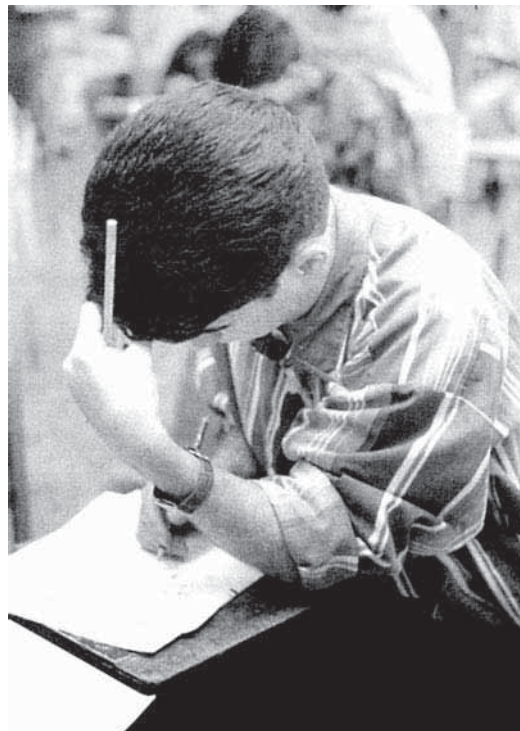


● نویسنده: مایکل کرسٲ  
● مترجم: دکتر مسعود وفائی عراقی



## گسٲ ارتباط بین دوره‌ی متوسطه و دانشگاه

### اشاره

امروزه دانش‌آموزان دبیرستانی بیش از هر زمان دیگری برای ورود به دانشگاه اشتیاق دارند. در خلال چند دهه‌ی اخیر، والدین، مربیان، سیاست‌گذاران و رهبران تجاری این نکته را روشن ساخته‌اند که اگر دانش‌آموزان می‌خواهند موفق شوند، باید به دانشگاه بروند. ۸۸ درصد دانش‌آموزان پس از دوره‌ی راهنمایی انتظار دارند که به نحوی در یکی از رشته‌های آموزش عالی تحصیل کنند و تقریباً ۷۰ درصد دیپلمه‌های دبیرستانی، عملاً به فاصله‌ی دو سال، حداقل به یک دوره‌ی آموزش عالی وارد می‌شوند [اجوکیشن تر است<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹].

متأسفانه در نظام‌های آموزشی‌دار ای‌گسٲ، اشتیاق دانش‌آموزان برای دستیابی به دانشگاه نادیده گرفته می‌شود. ارزش‌یابی‌های دوره‌ی دبیرستانی غالباً بر دانش‌ها و مهارت‌هایی تأکید دارند که با نیازها و خواسته‌های مورد نظر دانشگاه‌ها برای پذیرش و تعیین رشته‌ی دانشجویان متفاوت است. فارغ‌التحصیلان دبیرستانی که بر اساس مجموعه‌ای از استانداردهای آموزش‌شی، دوره‌ی دبیرستان را به پایان می‌رسانند، سه ماه بعد متوجه می‌شوند که با مجموعه استانداردهای کاملاً متفاوتی برای ورود به دانشگاه روبه‌رو هستند. به بیان ساده‌تر، دانش‌آموزان اطلاعات لازم را درباره‌ی این‌که چه باید بیاموزند تا در دانشگاه موفق شوند، به موقع دریافت نمی‌کنند.

۱۸/۱۹۹۱۹۲

بهار و تابستان ۱۳۸۶



## شروع کار در وضعیت نامطلوب

این علائم متناقض، بر دانش آموزان فقیر و رنگین پوست اثر نامطلوب تری می گذارد. در شرایطی که منافع مادی مترتب بر داشتن درجه‌ی دانشگاهی افزایش یافته است، دانش آموزان فقیر درمقایسه با دانش آموزان متعلق به خانواده‌های ثروتمند، از نظر پذیرفته شدن در دانشگاه و فارغ التحصیل شدن از آن، هم چنان از سهم بسیار کم تری برخوردار هستند. دانش آموزان فقیر معمولاً در دانشگاه‌های دارای رتبه‌ی پایین یا دانشگاه‌های آزاد و بدون آزمون و مصاحبه‌ی ورودی ثبت نام می کنند. برای مثال، نزدیک به ۶۶ درصد از دانش آموزان آمریکای لاتین، در مقایسه با کمتر از ۴۵ درصد دانش آموزان سفیدپوست دارای سوابق تحصیلی مشابه، در مؤسساتی به تحصیل می پردازند که ورود همگان به آن‌ها بلامانع است [فری، ۲۰۰۴]. از هر سه دانش آموز دیپلمه‌ی دبیرستان متعلق به چارک بالای سطح درآمد جامعه، دو نفر در مؤسسات آموزش عالی با دوره‌ی آموزشی چهار ساله (کارشناسی) تحصیل می کنند، در حالی که از هر پنج نفر دانش آموزان متعلق به چارک پایین، تنها یک نفر در این مؤسسات پذیرفته می شوند. ۷۴ درصد دانشجویان مشغول در ۱۴۶ مؤسسه‌ی آموزش عالی که به عنوان برترین مؤسسات آموزش عالی کشور آمریکا شهرت دارند، متعلق به چارک بالایی سطح درآمد جامعه هستند و فقط سه درصد آن‌ها متعلق به چارک پایین هستند [Kahlenberg, 2004].

در مورد رنگین پوستان نیز می توان گفت که نه تنها دانش آموزان آمریکایی آفریقایی تبار و آمریکای لاتینی، در مقایسه با سفیدپوستان و غیرآمریکای لاتینی‌ها، به نسبت کمتری به مدارک بعد از دبیرستان دست پیدا می کنند، بلکه دوره‌ی دبیرستان را هم با سطح پایین تری از دانش و مهارت به پایان می رسانند. سیاه پوستان و آمریکای لاتینی‌ها در سطح کشور و در پایه‌ی آخر دبیرستان، از نظر خواندن و ریاضیات، به طور متوسط در سطح دانش آموزان سفیدپوست پایه‌ی هشتم هستند [همان منبع]. در نتیجه، بسیاری از دانش آموزان طبقه‌ی کم درآمد و اقلیت‌های قومی، مجبور به گذراندن کلاس‌های جبرانی در دانشگاه می شوند؛ عاملی که موجب می شود، شانس آن‌ها برای اتمام دوره‌های دو ساله (فوق دیپلم) یا چهار ساله (کارشناسی) دانشگاه یا دریافت گواهی‌نامه حرفه‌ای کم تر شود. برای مثال، بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۳، فقط ۳۴ درصد دانشجویانی که تنها یک درس جبرانی خواندن را گذرانده بودند، توانستند دوره‌ی دو ساله یا چهار ساله دانشگاه را به پایان برسانند.

در صورتی که ۵۶ درصد دانشجویانی که هیچ درس جبرانی را طی نکرده بودن، فارغ التحصیل شدند [مرکز ملی آمار آموزشی، ۲۰۰۱].

آمارهای مربوط به ریزش دانشجویان در دانشگاه نیز همین قدر تکان دهنده است. حدود نیمی از دانشجویان سال اول کالج‌های محلی ترک تحصیل می کنند. حدود یک چهارم دانشجویان سال اول دوره‌ی کارشناسی از ورود به سال دوم باز می مانند. بیش از ۴۰ درصد دانشجویان دوره‌ی کاردانی و کارشناسی که بیش از ده واحد درسی را گذرانده اند، هرگز نمی توانند دوره‌ی کاردانی یا کارشناسی خود را به پایان برسانند. حدود ۷۰ درصد دانشجویان کاردانی امیدوارند که بتوانند به نحوی موفق شوند، یک دوره‌ی کارشناسی را به پایان ببرند، ولی عملاً فقط ۲۳ درصد آن‌ها موفق به دریافت این درجه‌ی دانشگاهی می شوند [آدلمن، ۱۹۹۴].

متأسفانه

در نظام‌های آموزشی

دارای گسست

اشتقاق دانش آموزان

برای دست یابی

به دانشگاه

نادیده

گرفته می شود

۱۸/۱۹۹۱۹۲

بهار و تابستان ۱۳۸۶

۴۵

نه تنها  
دانش آموزان  
آمریکایی  
آفریقایی تبار و  
آمریکای لاتینی  
در مقایسه با  
سفیدپوستان و  
غیرآمریکایی  
لاتینی‌ها  
به نسبت کمتری به  
مدارک بعد از  
دبیرستان  
دست پیدا می‌کنند  
بلکه دوره‌ی  
دبیرستان را هم  
با سطح پایین تری  
از دانش و مهارت  
به پایان می‌رسانند

۱۸/۱۹۹۱۹۳  
بهار و تابستان ۱۳۸۶

۴۶

## گسست‌های عمده

«پروژه‌ی بریج دانشگاه استانفورد»<sup>۶</sup> که یک مطالعه‌ی ملی شش ساله بود، سیاست‌های فارغ‌التحصیلی دبیرستانی و سیاست‌های پذیرش دانشگاه‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد تا دریابد، آیا مغایرت‌ها و ناهماهنگی‌هایی بین مهارت‌های مورد تأکید در هر یک از دو نظام آموزشی فوق وجود دارد یا خیر. محققان این پروژه، سیاست‌های ایالتی و مؤسسات آموزشی در شش ایالت کالیفرنیا، جورجیا، ایلینویز، ماریلند، آرگون و تکزاس را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند [کرتس و ونزیا<sup>۷</sup>, ۲۰۰۴]. آن‌ها اطلاعات لازم درباره‌ی سیاست‌های فارغ‌التحصیلی دوره‌ی دبیرستانی و سیاست‌های پذیرش دانشجوی مؤسسات آموزش عالی را گردآوری کردند. به خصوص، سیاست‌های تعیین رشته‌ی تحصیلی، شرایط پذیرش و راهبردهای برقراری ارتباط و دستیابی به دانش آموزان را در ۱۸ کالج و دانشگاه برتر و معمولی مورد مطالعه قرار دادند.

## چه کسانی برای ورود به دانشگاه‌ها آموزش دیده‌اند؟

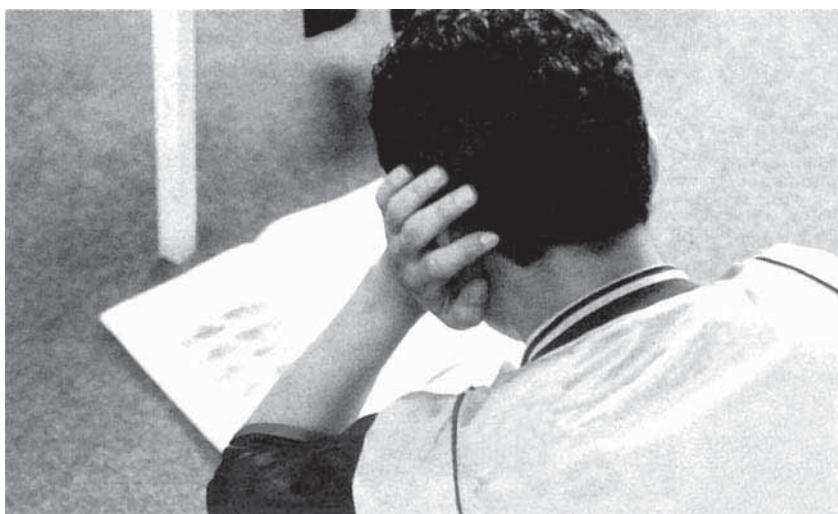
داده‌های به دست آمده از پروژه‌ی بریج نشان می‌دهد که دانش آموزان دبیرستانی متعلق به رشته‌های دارای برنامه‌ی درسی فشرده، نسبت به هم کلاسان خود در سایر رشته‌ها، آمادگی بیشتری برای پذیرش در دانشگاه پیدا می‌کنند [کرتس و ونزیا، ۲۰۰۴]. تلاش‌های امدادی آموزش بعد از دبیرستان توسط دبیرستان و مشاوران کالج‌ها برای ورود به تحصیلات عالی، غالباً در اختیار دانش آموزان سطح متوسط و پایین کلاس‌های درس قرار نمی‌گیرد [ونزیا، کرتس و انتونی<sup>۸</sup>, ۲۰۰۳]. برای مثال در کالیفرنیا، ۷۰ درصد دانش آموزان برگزیده‌ی سال آخر دبیرستان، حداقل از سه درس پیش نیاز برای پذیرش در نظام دانشگاه ایالتی کالیفرنیا مطلع بودند، در حالی که کمتر از ۵۰ درصد دانش آموزان معمولی، از آن اطلاع داشتند. [کرتس، آنتونیو و بوشل<sup>۹</sup>, ۲۰۰۴]. هم‌چنین، منابعی از قبیل مراکز مشاوره و راهنمایی دانشگاهی واقع در دبیرستان‌ها، برنامه‌ی بازدید از دانشگاه‌ها، و بازدید مسئولان پذیرش دانشگاه‌ها از دبیرستان، به طور تبعیض آمیز در اختیار دبیرستان‌ها قرار می‌گیرد.

## چه کسانی به اطلاعات درست دست‌رسی پیدا می‌کنند؟

کمتر از ۱۲ درصد از دانش آموزانی که مورد پیمایش قرار گرفتند، از همه‌ی پیش‌نیازهای درسی دبیرستان‌ها برای ورود به مؤسسات آموزش عالی مورد مطالعه، مطلع بودند [کرتس و ونزیا، ۲۰۰۴]. این تعداد، از یک درصد در ایالت کالیفرنیا تا ۱۱ درصد در ایالت مریلند تغییر می‌کرد. به نظر می‌رسد که دانش آموزان در مورد پیش‌نیازهای آموزشی دارای اطلاعاتی هستند. کمی بیش از نیمی از دانش آموزان، از سه درس پیش‌نیاز یا بیشتر اطلاع داشتند، اما دانش آموزان برگزیده نسبت به دانش آموزان ضعیف، از اطلاعات بیشتری برخوردار بودند. اگرچه مردود شدن در آزمون‌های تعیین رشته در دانشگاه موجب می‌شود که دانشجویان ورودی به اجبار واحدهای درسی جبرانی بدون امتیازی را در دانشگاه بگذرانند، کمتر از نیمی از دانش آموزان مورد مطالعه در سراسر شش ایالت یاد شده، از روش‌های برگزاری آزمون تعیین رشته‌ی دانشگاه‌های مورد مطالعه‌ی پروژه اطلاع داشتند. یکی از دانش آموزان مدرسه‌ی محلی ایالت آرگون گفت: «من برداشت‌های خودم را داشتم. اگرچه آن‌ها

نیز در مورد آزمون ورودی چیزهایی می گفتند، اما تا وقتی که دوره‌ی دبیرستان را تمام کردم، هیچ کس در این مورد که باید در آزمون تعیین رشته شرکت کنم، چیزی به من نگفت.»

## □ چه کسانی به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا برای ورود به دانشگاه آمادگی پیدا کنند؟



اگرچه دبیران از دست‌رسی گسترده به مؤسسات آموزش عالی و اطلاعات به روز در مورد پذیرش و تعیین رشته‌های آن‌ها محروم هستند، با این حال، هم در مدارس برتر و هم در مدارس ضعیف‌تر، دبیران نقش مهم‌تری را در کمک به دانش‌آموزان در آماده شدن آن‌ها برای ورود به دانشگاه، نسب به مشاوران و راهنمایان تحصیلی، به عهده دارند [کرسنت و ونزیا، ۲۰۰۴]. از آن‌جا که بیشتر دانش‌آموزان کم‌بضاعت و فارغ‌التحصیلان جدید دبیرستانی در مؤسسات آموزش عالی نزدیک

خانواده‌ی خود ثبت نام می‌کنند، شایسته است دبیران از نکات کلیدی پذیرش و تعیین رشته‌ی کالج‌های محلی اطلاع داشته باشند.

## □ آیا والدین نقشی در این زمینه دارند؟

والدینی که از محرومیت‌های اقتصادی رنج می‌برند، تجربه و اطلاعات لازم را درباره‌ی آمادگی برای ورود به دانشگاه ندارند. به ترتیب ۴۲، ۴۴ و ۴۷ درصد والدین کم‌بضاعت در ایالات ایلینویز، مریلند و ارگون اظهار داشته‌اند که در مورد دانشگاه‌ها اطلاعاتی دریافت کرده‌اند، در حالی که به ترتیب ۷۴، ۷۱ و ۶۶ درصد والدین متعلق به وضعیت اقتصادی بهتر در همان ایالات، این اطلاعات را داشته‌اند [کرسنت و ونزیا، ۲۰۰۴].

## □ نظری به تغییر در روند موجود

این تحقیق به سه زمینه‌ی نویدبخش برای انجام اصلاحات فوری پی برد: اول آن که تمام دانش‌آموزان، والدین و کارکنان آموزشی باید اطلاعات دقیق و با کیفیتی درباره‌ی واحدهای درسی دبیرستانی دریافت کنند تا آماده‌سازی دانش‌آموزان برای کسب استانداردهای مورد نظر دانشگاه‌ها میسر باشد، و نیز این که تمام دانش‌آموزان به این واحدهای درسی دست‌رسی داشته باشند. علاوه

۱۸/۱۹۹۱۹۳

بهار و تابستان ۱۳۸۶

۴۷

داده‌های  
به دست آمده  
از پروژه‌ی  
برای نشان می‌دهد  
که دانش آموزان  
دبیرستانی  
متعلق به  
رشته‌های دارای  
برنامه‌ی درسی  
فشرده  
نسبت به  
هم کلاسان خود  
در سایر رشته‌ها  
آمادگی بیشتری  
برای پذیرش  
در دانشگاه  
پیدا می‌کنند

۱۸/۱۹۹۱۹۲

بهار و تابستان ۱۳۸۶

۴۸

بر این، مدارس باید به دانش آموزان و والدین آن‌ها تفهیم کنند که فارغ‌التحصیل شدن از دبیرستان با حداقل صلاحیت، به هیچ وجه به معنی آمادگی ورود به دانشگاه محسوب نمی‌شود. دوم آن که توجه و نگاه رسانه‌ها، سیاست‌گذاران و محققان باید به دست‌یابی گسترده به کالج‌ها و دانشگاه‌هایی باشد که در خدمت اکثریت دانشجویان هستند. این مؤسسات آموزش عالی به کمک‌های مالی و راهبری دولت فدرال، دولتی ایالتی و سایر رهبران نیاز دارند. افزایش میزان موفقیت دانشجویان در این مؤسسات، یک سرمایه‌گذاری عمومی پربازده به شمار می‌رود، زیرا در نتیجه‌ی آن، نرخ موفقیت در به پایان بردن تحصیلات دانشگاهی را، برای دانشجویان متعلق به خانواده‌های فقیر و رنگین پوست افزایش می‌دهد.

سوم آن که می‌باید به دانش آموزان تفهیم کرد، ورود به آموزش عالی، مشکل‌ترین بخش کار نیست. برنامه‌های محلی، ایالتی و فدرال می‌باید دامنه‌ی دید را از دست‌یابی به آموزش عالی فراتر ببرند و به موفقیت در پایان تحصیلات دانشگاهی معطوف کنند. فرصت واقعی در دست‌رسی به تحصیلات عالی این است که فرد پس از ورود به دانشگاه، به احتمال قوی بتواند از آن فارغ‌التحصیل شود. محتوای درس‌های دبیرستانی، ارائه‌ی مشاوره در مورد دانشگاه، کمک و معاضدت برای آمادگی ورود به دانشگاه و سایر برنامه‌ها، می‌باید برای دانش آموزان روشن کنند که چه باید انجام دهند تا در دانشگاه‌های برتر و معمولی موفق شوند.

### راهنمای منطقی

چگونه می‌توانیم به این هدف‌ها دست پیدا کنیم؟ در قدم اول، به هنگام تنظیم و اصلاح استانداردها و سنجش دانش آموزان سال آخر دبیرستان، باید شرکای اصلی و دست‌اندرکاران مؤسسات آموزش عالی نیز حضور داشته باشند. به همین ترتیب، هنگام تنظیم و بازنگری سیاست‌های پذیرش و تعیین رشته‌ی تحصیلی در مؤسسات آموزش عالی، باید دبیران و مشاوران تحصیلی سال آخر دبیرستان‌ها نیز در این کار مشارکت داشته باشند. اصلاح محتوای این دو نظام و به اجرا درآوردن آن‌ها، بدون ارتباط معنی‌دار و سیاست‌گذاری هماهنگ بین این دو سطح از آموزش مشکل خواهد بود.

دبیرستان‌ها و مسئولان منطقه‌ی آموزشی، مؤسسات و نظام‌های آموزش عالی و حکومت فدرال می‌توانند، برای بهبود و روان‌سازی انتقال همه‌ی دانش آموزان از دبیرستان به دانشگاه‌ها، اقدامات زیر را انجام دهند:

■ اطمینان حاصل کنند که کالج‌ها و دانشگاه‌ها، استانداردهای تحصیلی خود را منتشر می‌کنند تا دانش آموزان، والدین، دبیران و مشاوران تحصیلی، اطلاعات دقیقی درباره‌ی آمادگی برای ورود به آن‌ها در اختیار داشته باشند. این اطلاعات باید فراتر از اطلاعات کلی درباره‌ی نحوه‌ی دست‌یابی به دانشگاه برای همه‌ی دانش آموزان باشد. برای مثال، نظام دانشگاه ایالتی کالیفرنیا از یک آزمون موفقیت تحصیلی پایه‌ی یازدهم در سراسر ایالت، به عنوان آزمون تعیین رشته‌ی تحصیلی، استفاده می‌کند. دانش آموزان سال‌های اول دبیرستان که می‌خواهند در سال آخر دبیرستان از مدارس ایالتی استفاده کنند و در آزمون ایالتی پایه‌ی یازدهم نمره‌ی ضعیف گرفته‌اند، توصیه‌های خاصی را برای انتخاب درس‌های سال آخر دبیرستان دریافت می‌کنند.

به ترتیب  
۴۲، ۴۴ و ۴۷ درصد  
والدین کم‌بضاعت  
در ایالات ایلینویز،  
مریلند و ارگون  
اظهار داشته‌اند  
که در مورد  
دانشگاه‌ها اطلاعاتی  
دریافت کرده‌اند  
در حالی که به ترتیب  
۷۴، ۷۱ و ۶۶ درصد  
والدین متعلق به  
وضعیت اقتصادی  
بهتر در  
همان ایالات  
این اطلاعات را  
داشته‌اند

۱۸/۱۹۹۱۹۳  
بهار و تابستان ۱۳۸۶

۴۹

علاوه بر این اقدامات، سازمان‌های ایالتی باید مطالب و اطلاعات را نه تنها به زبان انگلیسی، بلکه به زبان‌های دیگری هم که در ایالت رواج دارند، منتشر کنند.

■ ارتباط بین محتوای آزمون‌های پذیرش و تعیین رشته‌ی مؤسسات آموزش عالی و استانداردها و ارزش‌یابی پایانی سال آخر دبیرستانی را، برای ایجاد هماهنگی هر چه بیشتر بین آن‌ها، مورد بررسی و مطالعه قرار دهند. کیفیت بالای استانداردها و ارزش‌یابی از فارغ‌التحصیلان دبیرستانی که با استانداردها و نحوه‌ی ارزش‌یابی مؤسسات آموزش عالی هماهنگ و هم‌جهت شده باشد، موجب دریافت نشانه‌های صحیح و انگیزه‌های قوی در دانش‌آموزان می‌شود.

■ اجازه دهند که دانش‌آموزان، آزمون پذیرش و تعیین رشته‌ی آموزش عالی را در دوره‌ی دبیرستان بگذرانند تا بتوانند، انتظارات دانشگاه‌ها را درک کنند و از نظر تحصیلی خود را برای ورود به دانشگاه آماده سازند. این آزمون‌ها و ارزش‌یابی‌ها می‌باید جنبه‌ی تشخیصی داشته باشند، به نحوی که دانش‌آموزان، والدین و معلمان به روشنی آگاه شوند که چگونه می‌توان مهارت‌های آمادگی برای ورود به دانشگاه را تقویت کرد.

■ آخرین سال دبیرستان را به اصلاح و جبران کمبودهای آمادگی برای ورود به دانشگاه اختصاص دهند و واحدهای درسی مناسبی را در سال آخر دبیرستان به واحدهای درس‌های عمومی دانشگاهی مرتبط سازند [کرست، ۲۰۰۱]. برای مثال، دانش‌آموزان غالباً در سال آخر دبیرستان، واحدهای درسی ریاضیات را انتخاب نمی‌کنند، زیرا خواندن حداقل سه سال ریاضیات برای فارغ‌التحصیلی از دبیرستان و ورود به دانشگاه کفایت می‌کند. در نتیجه، دانش‌آموزان وقتی به دانشگاه وارد می‌شوند، غالباً در آزمون ریاضیات مردود می‌شوند، زیرا از نظر محتوای مورد انتظار، واحدهای کافی را نگذرانده و یا آن‌چه را که آموخته‌اند، فراموش کرده‌اند.

■ دبیران را در مورد استانداردهای تحصیلی دانشگاه‌ها (از جمله تعیین رشته) و روال تقاضای پذیرش دانش‌آموزان مطلع کنند. این اطلاعات به خصوص باید به اطلاع دبیرانی برسد که با دانش‌آموزان متوسط و ضعیف سر و کار دارند. همین‌طور لازم است، مدارس نیز اطلاعات بیشتری درباره‌ی استانداردهای تعیین رشته‌ی دانشگاه‌ها در اختیار دبیران دبیرستان‌ها قرار دهند، به نحوی که آن‌ها بتوانند، واحدهای درسی خود را با انتظارات آموزش عالی تطبیق دهند.

■ برنامه‌های حضور هم‌زمان یا دوگانه‌ی موفق بین دبیرستان و دانشگاه را توسعه دهند تا تمام دانش‌آموزان را دربرگیرند، نه این که فقط شامل افراد مصمم به تحصیل شوند.

■ از تمام بخش‌های آموزشی، اطلاعات را جمع‌آوری و ترکیب کنند. ایالات و مناطق باید شماره‌هایی را به دانش‌آموزان اختصاص دهند تا بتوان پس از ترک دبیرستان، پیشرفت تحصیلی آن‌ها را تعقیب کرد. این اطلاعات باید شامل آزمون‌های تعیین رشته و پیشرفتی باشد که در جهت نیل به دریافت درجه‌ی تحصیلی یا دریافت گواهی‌نامه صورت گرفته‌اند و با نظام پاسخ‌گویی ایالتی تحصیلات عالی نیز مرتبط باشند. مؤسسات آموزش عالی و دبیرستان‌ها، برای یادگیری نحوه‌ی استفاده از این داده‌ها در سیاست‌گذاری‌ها و فعالیت‌های تهیه‌ی برنامه‌ی درسی و تدریس، به کمک و پشتیبانی نیاز دارند. برای مثال، اخیراً در پژوهشی مشخص شد که سطح کتاب «خواندن» در دبیرستان، به مراتب پایین‌تر از سطح کتاب خواندن

برنامه‌های محلی،  
ایالتی و فدرال  
می‌باید  
دامنه‌ی دید را  
از دست‌یابی  
به آموزش عالی  
فراتر ببرند  
و به موفقیت  
در پایان تحصیلات  
دانشگاهی  
معطوف کنند

در دانشگاه است [ویلیامسون<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۴]. علاوه بر این، محققان «سازمان سنجش و پژوهش‌های آموزشی»، به مغایرت عمده‌ای بین ارزش‌گذاری دبیران دوره‌ی دبیرستان و مدرسان آموزش عالی در نحوه‌ی نگارش شاگردان پی‌بردند. مدرسان آموزش عالی، دستور زبان و کاربرد آن را در درجه‌ی اول اهمیت قرار می‌دهند، در حالی که دبیران دبیرستان‌ها پایین‌ترین رتبه را برای این مهارت قائل می‌شوند [رونی<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۳].

■ برای فعال کردن بیشتر سیاست‌گذاری در سطح دوره‌ی کارشناسی ایالت، اعتبارات فدرال را افزایش دهند. این کار می‌تواند شامل تخصیص اعتبار برای مباحثات مشترک بین معلمان دوره‌ی دبیرستان و آموزش عالی باشد، و مستلزم بررسی و بهبود فعالیت‌هایی چون جمع‌آوری و استفاده از داده‌ها در همه‌ی بخش‌های نظام مورد مطالعه است. هم‌چنین این اعتبار می‌تواند در جهت فعالیت‌های مشترکی باشد که هدف آن‌ها، قادر ساختن دانش‌آموزان به انتقال موفقیت‌آمیز از یک نظام آموزشی به نظام بالاتر است.

■ سیاست‌های کمک مالی به دانشجویان را به ادامه‌ی تحصیل و نرخ فارغ‌التحصیلی آن‌ها وابسته سازند. در این صورت، هرگاه تعداد بیشتری از دانشجویان یک مؤسسه آموزش عالی موفق به دریافت درجه‌ی دانشگاهی یا گواهی‌نامه‌ی حرفه‌ای شوند، آن مؤسسه از کمک‌های مالی فدرال و ایالتی سهم بیشتری دریافت خواهد کرد.

بدون تردید، اجرای این توصیه‌ها نمی‌تواند به سرعت ده‌ها علت‌آمدگی ضعیف دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه را از میان بردارد. اما این توصیه‌ها، گام‌های مهمی در جهت تهیه و توسعه‌ی یک تجربه‌ی آموزشی عادلانه‌تر برای همه‌ی دانش‌آموزان محسوب می‌شوند و زمینه‌ی لازم برای آماده‌کردن کلیه‌ی دانش‌آموزان نیازمند موفقیت در دانشگاه را فراهم می‌کنند.

## ◀ زیرنویس

1. Michael W. Kirst  
(استاد مدرسه‌ی تعلیم و تربیت دانشگاه استانفورد)
2. Education Trust
3. Fry
4. National Center for Education Statistics.
5. Adelman
6. Stanford University Bridge Project
7. Kirst & Venezia.
8. Antonio
9. Bueschel
10. Williamson
11. Rooney

## ◀ منابع

www.Bridge Project.Stanford.edu.

۱۸/۱۹۹۱۹۲  
بهار و تابستان ۱۳۸۶

۵۰



۱۸/۱۹۹۰/۱۹۳  
بهار و تابستان ۱۳۸۶

۵۱